

بازگشت «محمدجواد ظریف» به دولت چهاردهم چند پالس روشن در حوزه سیاست داخلی و خارجی دارد

«اعتماد» ابعاد بازگشت محمدجواد ظریف به دولت چهاردهم را بررسی می‌کند

پایان عصر خالصسازی؟

بازگشت «محمدجواد ظریف» به دولت چهاردهم چند پالس روشن در حوزه سیاست داخلی و خارجی دارد. آیا این بازگشت به معنای پایان عمر يك جریان سياسي يا حداقل تضعيف آنها در معادلات تصمیم‌گیری است؟

سیما پروانه‌گهر

وقتی 22 مردادماه سال جاری، محمدجواد ظریف در شبکه اجتماعی ایکس از استعفای خود خبر داد و عذرخواهی کرد که از «پیگیری امور در دالان‌های سیاست داخلی» ناتوان است دو گروه با طعن و پوزخند استعفای او را برجسته کردند؛ نخست گروهی که از تغییر اوضاع ذیل تغییر دولت در ایران ناامید هستند و با غرض و بی‌غرض به کنایه گفتند آیا ظریف از «دالان‌های سیاست داخلی» در کشور بی‌اطلاع بود و حالا دالان‌ها بر او هویدا شده‌اند و گروه دوم طیفی از نیروهای اصولگرا که با شغف، رفتن ظریف را جشن گرفتند و خرسند از اعمال نظرات خود برای حذف او در فضای رسانه‌ای و مجازی عرصه اندام کردند.

متن اولیه استعفای ظریف به معنای «اختلاف با مسعود پزشکیان درباره برخی اعضای کابینه» تفسیر شد اما کمتر از 24 ساعت بعد ظریف شفاف‌سازی کرد و نوشت که «برخی مردودین از جانب مردم، با تفسیر عجیبی از قانون مصوب ۱۴۰۱، اشتغال بنده در مشاغل حساس را به

بها نه‌اي براي فشار بر دولت چهاردهم تبديل کرده بودند. بنده نيز براي جلوگيري از هر گونه شائبه يا بهانه براي کارشکني در کار دولت دکتر پزشکیان عزيز، هفته گذشته طی نامه‌اي از معاونت راهبردي رييس‌جمهور انصراف داده بودم.»

اشاره ظريف به قانون مصوب سال ۱۴۰۱ مبني بر نحوه به کارگيري اشخاص در مشاغل حساس بود. قانوني که کل آن براي يك تبصره و احتمالاً براي چند چهره در عرصه سياست داخلي ايران نوشته شده بود و اغراق نيست اگر بگويم در هنگام نوشتن اين تبصره از اساس نويسندگان طرح اوليه و تصويب‌کنندگان آن به فکر محمدجواد ظريف و انتخابات رياست‌جمهوري ۱۴۰۴ بودند. بازي روزگار اما طرح ديگري در انداخت و موعد انتخابات به تابستان ۱۴۰۳ افتاد. مسعود پزشکیان تايد صلاحيت شد و چهره اصلي کمپين و همراه او شد محمدجواد ظريف. پزشکیان هم ۱۱ مرداد امسال بلافاصله پس از مراسم تحليف، در حکمي محمدجواد ظريف را به عنوان معاون راهبردي و رييس مرکز مطالعات استراتژيك رياست‌جمهوري منصوب کرد. ۱۱ روز بعد ظريف استعفا داد و غيبت دو هفته‌اي او به صورت فيزيكي از دولت شروع شد. حذف ظريف اما محقق نشد. ساعتی بعد از نخستين دیدار کابينه چهاردهم با آيت‌الله خامنه‌اي محمد جواد ظريف خبر داد که پس از «پيگيري و رايزني» و «دستور کتبي» مسعود پزشکیان به معاونت راهبردي او برگشته است. انتشار عکسي از حضور او براي نخستين بار در جلسه هيات دولت نيز بازتاب زيادي داشت. درست مثل اصل بازگشت او که با استقبال و انتقادهای مختلفی همراه شد.

صدای انتقاد کيهان و رسايي

حميد رسايي مطابق معمول اولين کسي بود که درباره بازگشت ظريف به دولت انتقاد کرد و واکنش نشان داد و در توييتر نوشت: «در صورت صحت ادعای آقای ظريف و ابقاي وي در جایگاه معاونت، مطابق قانون، اولاً اين حکم معاونت راهبردي کان لم یکن (يعني باطل) و ثانياً مرتکب (يعني آقای پزشکیان) به محروميت از حقوق اجتماعي درجه ۵ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامي (۵ تا ۱۵ سال محروميت) محکوم ميشود.»

دومين واکنش از مقاله‌اي در روزنامه کيهان شنیده شد. محمدتقي نقدعلي، نايب‌رييس کمیسیون قضايي و حقوقي مجلس شوراي اسلامي درباره بازگشت ظريف به دولت به باشگاه خبرنگاران جوان گفته است که «قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس مصوب سال ۱۴۰۱ به طور شفاف و صريح مي‌گويد براي مشاغل حساس تا بعيت مضاعف شخص يا نزديکان

و وابستگی‌اش مانع از انتصاب است» و «اگر کسی تابعیت مضاعفی داشته باشد، از آنجا که قانون فرقی بین تابعیت مضاف قهری یا اختیاری قائل نشده هر دو را شامل می‌شود، اما اینکه آقای ظریف آیا شامل این قانون است یا نه را باید نهادها بگویند که آیا فرزندان وی دارای تابعیت مضاعف هستند یا خیر؟ چون اگر فرزندان آقای ظریف تابعیت مضاعف داشته باشند قطعاً و یقیناً این قانون شامل حال آنها می‌شود و باید مر قانون توسط دولت و ریاست‌جمهوری اجرا شود چرا که آقای پزشک‌یان به قانون مقید است و گمان نمی‌کنم که بخواهد با توجیحات تأویلات غلط قانون را اجرا نکند.»

نقدعلی در پاسخ به این مطلب که «آقای ظریف در پیامی نوشتند که فرزندان‌شان در امریکا به دنیا آمده‌اند» گفت: «یقیناً انتصاب آقای ظریف در چنین جایگاهی با قانون تنافی دارد. قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس در سال ۱۴۰۱ تصویب شده هست یعنی قانونی که الان مستند قرار گرفته مصوب مجلس یازدهم است لذا اینکه آقای ظریف قبلاً وزیر امور خارجه بوده در قبل از تصویب قانون به‌کارگیری اشخاص در مشاغل حساس در سال ۱۴۰۱ است و ممکن است در گذشته کسانی بودند که خود یا نزدیکان‌شان تابعیت مضاعف داشتند، اما چون چنین قانونی نبوده منع قانونی وجود نداشته، اما الان از سال ۱۴۰۱ که این قانون مصوب شده است اجرای آن الزام‌آور شده است.» او همچنین هشدار داده که «مجلس بر اساس وظیفه نظارتی خود نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس را دنبال خواهد کرد و اگر تخلفی باشد از آنجا که تخلف منوط به علم است و اگر واقعاً علم داشتند که فرزندان آقای ظریف تابعیت مضاعف داشتند قطع به یقین از قانون تخطی شده است.» این نماینده عضو جبهه پایداری همچنین گفته است: «با توجه به اینکه آقای ظریف اعلام کرده که فرزندان‌ش در امریکا به دنیا آمده‌اند و قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس، انتصاب افرادی که خود، فرزندان یا همسر ایشان تابعیت مضاعف دارند را ممنوع کرده، حضور «محمدجواد ظریف» در دولت غیرقانونی است؛ لذا از آنجا که مبنای انتصابات در مشاغل حساس قانون مذکور است باید نحوه حضور آقای ظریف در معاونت راهبردی و ریاست مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری به‌صورت شفاف اعلام شود.»

ظریف اما پیش از این در پیامی به اتهاماتی که مخالفان‌ش به او مبنی بر دوتابعیتی بودن فرزندان‌ش زده بودند، پاسخ داد و تأکید کرد: «با توجه به برخی فضاسازی‌ها لازم است یادآوری کنم که با وجود تولد فرزندانم حدود ۴۰ سال قبل و در دوران تحصیل (و نه ماموریت)

در امریکا و قوانین خاک‌محور امریکا برای تابعیت قهري، به لطف خدا بنده، همسر و فرزندانم ساکن ایران عزیز هستیم و يك متر مسکن در خارج از ایران در تملك يا حتي اجاره خود نداريم. خودم هم تحت دو تحریم امریکا (ذیل تحریم رهبري) و يك تحریم کانادا قرار دارم و خود و همسرم حتي امکان سفر توريستي به ایالات متحده، کانادا و برخي کشورهای دیگر را نداريم.» به‌رغم واکنش‌های تند برخي چهره‌ها و طيف‌های اصولگرا، روزنامه اصولگرای خراسان - نزدیک به محمدباقر قالیباف - درباره موضوع این قانون و آنچه تابعیت فرزندان ظريف خوانده میشود روایت دیگری را مطرح و تاکید کرد «شنیده‌های خراسان حاکی است با توجه به اکتسابي نبودن تابعیت فرزندان دکتر ظريف از يك سو و زندگی و کار آنها در کشور از سوي دیگر، رييس‌جمهور توانست رضایت سطوح ارشد نظام را در این خصوص کسب کند و با هماهنگی‌های لازم دستور به بازگشت ظريف به کابینه و در همان پست معاونت راهبردي رييس‌جمهور را بدهد». در کنار این روایت، روزنامه هم‌میهن هم مدعی شد که «بازگشت محمدجواد ظريف به دولت با حکم حکومتي رهبر انقلاب صورت گرفته است».

بازگشت ظريف البته با استقبال چهره‌های مختلف سياسي نیز همراه شد. محمد صدر، عضو مجمع تشخيص مصلحت نظام و از مدیران اسبق وزارت خارجه، در گفت‌وگويي اعلام کرد که باید بازگشت محمدجواد ظريف به دولت چهاردهم را «به فال نيك» گرفت و با اشاره به تاثیر بازگشت ظريف به دولت در افکار عمومي و ناراحتی‌هایی که پس از استعفای او ایجاد شده بود، تاکید کرد: این يك کار مثبت و يك قدردانی از زحمات بسیار صادقانه و موثر آقای ظريف در ایام انتخابات بود. کلا سیاست آقای پزشکيان این است که از متخصصان و کارشناسان استفاده کند و آقای ظريف یکی از بهترین کارشناسان سياست خارجي و روابط بين‌الملل در ایران است. خوشبختانه این اقدام انجام شد و از دکتر پزشکيان تشکر می‌کنم که این تاثیر را در دولت حفظ کرد.

رضا نصري، تحليلگر مسائل بين‌الملل، هم در گفت‌وگوي با خبرگزاری خبرآنلاین در واکنش به بازگشت ظريف به دولت گفت: «آقای دکتر ظريف ارتباط قوي و خوبي با جامعه مدني دارد. ایشان موفق شد در دوران انتخابات، بخش قابل توجهي از جامعه را که دچار رکود شده بود فعال کند و نسبت به آینده امیدوار سازد. حضور دکتر ظريف در دولت فقط به نفع دولت پزشکيان نیست؛ بلکه به نفع کشور و جامعه‌ای است که بیش از هر زمان به امید و پویایی و انسجام نیاز دارد. دکتر ظريف در عرصه بين‌المللي نیز فرد معتبر و شناخته‌شده‌ای است و حضور او

می‌تواند برای دیپلماسی عمومی کشور بسیار ارزشمند باشد.»

جاذبه و دافعه ظریف در دو جناح سیاسی و فضای مردمی

محمدجواد ظریف مدافعان و مخالفان سرسختی دارد. بسیاری او را نماد دوران گذار در ایران می‌دانند. برخی حضور او در دولت پزشکیان را شمایل رای مردم به تغییر وضع موجود تلقی می‌کنند. از نگاهی دیگر برخی تاکید دارند که حضور ظریف در دولت پزشکیان اگرچه در جایگاه و پست سیاست خارجی نیست اما پالسهایی را درباره تصمیمات کلان در حوزه روابط بین‌الملل ارسال می‌کند.

محمد جواد ظریف در ایران نماد گفت‌وگو و دیپلماسی فعال در ارتباط با جهان است. او نقش اصلی را در توافق جامع هسته‌ای با غرب در سال ۲۰۱۵ داشت. بخش عمده‌ای از مخالفت‌ها با ظریف به دلیل شمایل و جایگاه او در عرصه سیاست خارجی است. مشخصاً دیدگاه‌های جریان جلیلی-پایداری با مردی که شمایل مذاکره است همخوانی نداشته و نخواهد داشت. بخش دیگری از مخالفت‌ها با ظریف از جانب این جریان به روحیات آنها و البته شخصیت ظریف باز می‌گردد. پایگاه خبری عصر ایران در یادداشتی با اشاره به همین مساله نوشته است: «يك سنت اجتماعي در تاريخ ايران وجود دارد که افراد توانا و متخصص و سالم و پاک‌دست و موفق و تاثیرگذار همیشه مورد حسادت و بدخواهی برخی گروه‌های اجتماعي قرار می‌گیرند که در جامعه‌شناسی به آن می‌گوییم نخبه‌کشی. ظریف از نمونه‌های برجسته این سنت ناپسند اجتماعي است که امیدوارم قربانی آن نشود. در نتیجه باید گفت به نظر می‌رسد محمد جواد ظریف عنصر تعیین‌کننده دوران گذار دولت در ایران است و با شناختی که از او دارم بعید می‌دانم بعد از تشکیل کابینه علی‌رغم تمایل رییس‌جمهور حضور پررنگی در سیاست داخلی داشته باشد هر چند در سیاست خارجی و ارتباط با جهان همه دولت‌های ایران مستقیم و غیر مستقیم به دانش و تجربه و اعتبار ظریف نیاز دارند، حمایت همیشگی رهبر جمهوری اسلامی از ظریف هم از همین زاویه قابل درک است.»

بازگشت ظریف و شرایط جدید طیف مخالفان او

تردیدی نیست که بخشی از مخالف‌ها با ظریف در واقع مخالفت با دولت مسعود پزشکیان و ابراز خشم پنهان به نتایج انتخابات و رای مردم است. محمد جواد ظریف محوری‌ترین نقش را در همراهی با مسعود پزشکیان در رقابت‌های انتخاباتی داشت و برای پیروزی او همه توان خود را به کار بست. وقتی در يك گفت‌وگوي کلاب‌هاوسی به او گفتند چرا

آبرویش را هزینه این انتخابات می‌کند پاسخ داد آبرو برای هزینه کردن است و کسی نمی‌خواهد آبرو را به زیر خاک ببرد.

تاثیر حضور طریف از همان حضورش در تلویزیون مشخص بود. هشت دقیقه سخنرانی او در تلویزیون درباره خطر پیروزی سعید جلیلی رقیب مسعود پزشکیان تاثیر زیادی بر افکار عمومی گذاشت. به شکلی که انتخابات از منظر بسیاری بیش از اینکه دوگانه پزشکیان-طریف باشد، دوگانه طریف-جلیلی بود. این تاثیر البته از چشم سعید جلیلی نیز پنهان نمانده است. پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات يك وجه از وضعیت جدید این طیف و جبهه پایداری از منظر رای مردم و پایگاه اجتماعی را نشان داد.

بعد بعدی وضعیت این جریان رای کامل مجلس به تمامی کابینه مسعود پزشکیان بود که نشان می‌داد مجلس دوازدهم بیش از اینکه در ید مدیریت و اختیار جبهه پایداری و جلیلی باشد در اختیار طیف قالباف است که فعلا ائتلاف قوی با دولت پزشکیان دارد. سومین مساله و البته محکم‌ترین ضربه به این جریان بازگشت طریف به دولت بود. این بازگشت نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد میزان قدرت و نفوذ این جریان در لایه‌های مختلف تصمیم‌گیر به هر دلیلی افول کرده است و ستاره قدرت آنها در حال غروب کردن است. این وضعیت ممکن است موقتی باشد اما بدون شك در همین شرایط و حد فعلی نیز بی‌سابقه است. اینکه سعید جلیلی در انتخابات بازنده باشد، مجلس اصولگرای دوازدهم به کابینه پزشکیان رای کامل بدهد و به فاصله کمتر از دو روز محمدجواد طریف نیز به دولت بازگردد، همه و همه نشان از مختصات جدید جریان جلیلی و پایداری دارد. مختصاتی که هم وزن و هم نفوذ فعلی این جریان را مشخص می‌کند. در این شرایط قدرت لابی‌های پنهان مسعود پزشکیان نشان از این دارد که دولت او تصمیمی برای درگیری علنی با این طیف مخالف خود ندارد. به نظر می‌رسد مسعود پزشکیان سعی دارد تا با رایزنی‌ها و لابی‌های پنهان در مقابل خواسته‌ها و فشارهای این جریان مقاومت کند. نتیجه این لابی‌ها یعنی بازگشت طریف به دولت نیز نشان می‌دهد که قدرت رایزنی و نفوذ پزشکیان حداقل در ایام شروع دولت او کمتر از توان طیف جلیلی و پایداری نیست. البته تردیدی نیست که این معادله قابل تغییر است و نمی‌توان درباره آن محاسبه‌ای در درازمدت داشت.

از این جهت با اطمینان نمی‌توان گفت که بازگشت طریف به دولت پزشکیان پایان عصرخالصسازی خواهد بود اما همین وضعیت فعلی نیز بی‌سابقه است و می‌تواند معادلات قدرت و توازن توان سیاسی را در

عرصه داخلی تغییر دهد.

پایاب شکیبایی ظریف یا آغاز شکیبایی او؟

ظریف در آخرین کتاب خود با عنوان «پایاب شکیبایی» درباره انتخاب عنوان کتاب اینگونه روایت کرده است: «یکی از دوستان من آقای مهدی دانش‌یزدی که هم هنگام مأموریت من در نیویورک معاون من بود و هم در وزارت خارجه معاون اداری و مالی بود و مهم‌تر از همه ادیب و شاعر است، با اشاره به شعر حافظ (مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد / کز دست بخواهد شد پایابِ شکیبایی) پیشنهاد کرد عنوان «پایاب شکیبایی» را برای کتاب انتخاب کنیم. این پیشنهاد به دل من نشست و در مرحله بعد آقای دانش‌یزدی این بیت شعر حافظ را به گونه‌ای تغییر داد تا به این تعبیر نشود که کاسه صبر ما لبریز شده است؛ (سودای وطن در سر، پیوسته چنانم بود / کز دست نشد هرگز، پایاب شکیبایی).

او در گفت‌وگوی خود با پایگاه خبری جماران در این باره ادامه داده است: «هم در این کتاب و هم در کتاب راز سر به مهر گفته‌ام که هنگام قبول مسوولیت وزارت خارجه به دوستانی مانند آقایان روانچی و عراقچی که قرار بود در بحث هسته‌ای با من همکاری کنند گفتم این حوزه قربانی شدن است و نه حوزه قهرمان شدن. این عبارت پایاب شکیبایی هم به همین نگاه من اشاره می‌کند که شما نیاز دارید برای تامین منافع ملی، صبور بوده و آماده تحمل فشارها و زخم زبان‌ها و خنجرهای از پشت باشید».

به نظر میرسد ظریف باید ادامه حضور خود در دولت پزشکیان را نیز بر همین مدار و مدارا بگذارد. تردیدی نیست که با آغاز به کار مجلس در هفته جاری و از سر گرفتن برگزاری جلسات علنی صدای مخالفان ظریف بلند خواهد شد. احتمالاً در نخستین جلسه‌ای که مجلس دوازدهم برگزار کند، تذکری از جانب چهره‌هایی همچون حمید رسایی و امیرحسین ثابتی داده میشود.

حمله‌ها علیه ظریف البته محدود به مجلس نخواهد بود. اخیراً آیت‌الله قرهی استاد حوزه و چهره حامی سعید جلیلی در موضع‌گیری تازه ادعاهایی را مطرح کرد. اشاره این روحانی به اظهارنظر ظریف در مصاحبه تلویزیونی درباره معیارهای نمره‌دهی به گزینه‌های هیات دولت در شورای راهبری انتخاب اعضای کابینه است. ظریف این مثال و همچنین مثال مشابهی درباره زنان زد که با واکنش تند چهره‌های

نزدیک به سعید جلیلی از جمله قرهی همراه شد. با این شرایط به نظر میرسد، بازگشت ظریف به دولت پزشکیان باید پیوند خورده با توصیه‌اش به عراقچی و تخت روانچی این بار به خود باشد: «آماده تحمل فشارها و زخم زبان‌ها و خنجرهای از پشت باش».

تردیدی نیست که بخشی از مخالفها با ظریف در واقع مخالفت با دولت مسعود پزشکیان و ابراز خشم پنهان به نتایج انتخابات و رای مردم است. محمد جواد ظریف محوری‌ترین نقش را در همراهی با مسعود پزشکیان در رقابت‌های انتخاباتی داشت و برای پیروزی او همه توان خود را به کار بست. تاثیر حضور ظریف از همان حضورش در تلویزیون مشخص بود. هشت دقیقه سخنرانی او در تلویزیون درباره خطر پیروزی سعید جلیلی رقیب مسعود پزشکیان تاثیر زیادی بر افکار عمومی گذاشت. به شکلی که انتخابات از منظر بسیاری بیش از اینکه دوگانه پزشکیان-ظریف باشد، دوگانه ظریف-جلیلی بود. این تاثیر البته از چشم سعید جلیلی نیز پنهان نمانده است. پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات از یک نگاه، وضعیت جدید این طیف و جبهه پایداری از منظر رای مردم و پایگاه اجتماعی را نشان داد. بعد بعدی وضعیت این جریان رای کامل مجلس به تمامی کابینه مسعود پزشکیان بود. سومین مساله و البته محکم‌ترین ضربه به این جریان بازگشت ظریف به دولت بود؛ موضوعی که نشان می‌دهد میزان قدرت و نفوذ این جریان در لایه‌های مختلف تصمیم‌گیر به هر دلیلی افول کرده است و ستاره قدرت آنها در حال غروب کردن است. این وضعیت البته ممکن است موقتی باشد.

ظریف در گفت‌وگویی اخیر خود با جماران روایت کرده که در زمان قبول مسوولیت وزارت امور خارجه در دولت یازدهم به همکاران خود یعنی عراقچی و تخت‌روانچی توصیه‌ای کرده که «شما نیاز دارید برای تامین منافع ملی، صبور بوده و آماده تحمل فشارها و زخم‌زبان‌ها و خنجرهای از پشت باشید». به نظر می‌رسد ظریف باید ادامه حضور خود در دولت پزشکیان را نیز بر همین مدار و مدارا بگذارد. تردیدی نیست که با آغاز به کار مجلس در هفته جاری و از سر گرفتن برگزاری جلسات علنی صدای مخالفان ظریف بلند خواهد شد. احتمالاً در نخستین جلسه‌ای که مجلس دوازدهم برگزار کند، تذکری از جانب چهره‌هایی همچون حمید رسایی و امیرحسین ثابتی داده می‌شود. حمله‌ها علیه ظریف البته محدود به مجلس نخواهد بود. اخیراً آیت‌الله قرهی استاد حوزه و چهره حامی سعید جلیلی در موضع‌گیری تازه موضع‌گیری تازه

ادعاهایی را مطرح کرد. با این شرایط، بازگشت ظریف به دولت پزشکیان باید پیوند خورده با توصیه‌اش به عراقچی و تختروانچی اما این بار به خود باشد: «آماده تحمل فشارها و زخم زبان‌ها و خنجرهای از پشت باشم».

منبع: روزنامه اعتماد 10 شهریور 1403 خورشیدی